

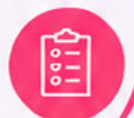
با ایران توشه
یک قدم جلوتر
باش!



ایران توشه
توشه ای برای موفقیت



ایران توشه، مرجع دانلود فایل های کمک آموزشی دانش آموزان و کنکوری ها



دانلود رایگان آزمون های آزمایشی
قلمچی، خیلی سبز، گاج و ...



دانلود رایگان گام به گام تمامی دروس



دانلود رایگان نمونه سوالات امتحانی
(نوبت اول و دوم) و امتحانات نهایی



دانلود رایگان جزوه های کمک آموزشی
و شب امتحانی

همه چیز
برای موفقیت
تو!

Google

دانلود گام به گام دوازدهم تجربی ایران توشه

دانلود گام به گام دوازدهم تجربی ایران توشه

کافیست هر فایلی که نیاز دارید
را در گوگل به این صورت جستجو کنید:

فایل مورد نیاز + ایران توشه

مثال:

دانلود گام به گام دوازدهم تجربی ایران توشه



irantooshe.ir



t.me/irantooshe





گام به گام فلسفه (۲) دوازدهم

درس هشتم

عنوان فصل: عقل در فلسفه _ قسمت دوم

از صفحه‌ی ۵۹ تا صفحه‌ی ۶۸ کتاب

در این فایل پاسخ فعالیت‌ها، کارهای کلاسی، تمرین‌ها و پرسش‌های فصل عقل در فلسفه _ قسمت دوم آمده است.

مباحث فصل: عقل نزد فیلسوفان مسلمان، مراحل رشد عقل، رابطه دین و فلسفه

تهیه شده در ایران توشه، توشه‌ای برای موفقیت

irantooshe.ir

فهرست پرسش‌ها

- ۱ صفحه ۶۱ بررسی (نمونه اول*) — برهان، تمثیل و همدردی خدا و مخلوق ۴
- ۲ صفحه ۶۲ بررسی (نمونه دوم*) — حسن و قبح شرعی و عقلی ۴
- ۳ صفحه ۶۴ نکته* — سخن امام باقر درباره عقل و بیان ملاصدرا ۴
- ۴ صفحه ۶۵ بررسی* — رواج دیدگاه عقل به مثابه دستگاه تفکر ۵
- ۵ صفحه ۶۷ تفکر — گفته ابن سینا درباره عبادت با تعقل ۵
- ۶ صفحه ۶۷ به کار بندیم — عقل و دین در جهان اسلام ۶

این فایل توسط سایت ایران توشه تهیه شده است.

irantooshe.ir



این فایل توسط سایت ایران توشه تهیه شده است.

irantooshe.ir



این فایل توسط سایت ایران توشه تهیه شده است.

irantooshe.ir



نظر شما در این باره چیست؟ آیا در برهان، همدردی میان خدا و مخلوق اتفاق می‌افتد؟ درباره تمثیل چه می‌گویید؟ آیا فلاسفه در استدلال‌های خود از تمثیل استفاده می‌کنند؟

خیر؛ در برهان، همدردی میان خدا و مخلوق پیش نمی‌آید. مفهوم «نظم‌دهنده» برای خدا و انسان معنای یکسانی دارد (وگرنه به کار بردن آن برای خدا بی‌معنا و عبث می‌شد)، اما مصداق آن فرق دارد: نظمی که خدا پدید می‌آورد کامل و بی‌نقص است، ولی نظم‌دهندگی انسان ناقص است و همواره می‌تواند کامل‌تر شود. اشتراک در معنای مفهوم به معنای شباهت و همدردی شدن در مرتبه وجود نیست.

درباره تمثیل: تمثیل حکم یک چیز را از راه شباهتش با چیز دیگر ثابت می‌کند و فایده یقینی کمتری دارد. فیلسوفان مسلمان آن را (در کنار استدلال تجربی و برهان عقلی محض) در محدوده و جایگاه خود معتبر می‌دانند، اما در استدلال‌های اصلی خود برای اثبات خدا بر برهان عقلی تکیه می‌کنند.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

این دو دیدگاه را بررسی و مقایسه کنید و سپس از آنها نتیجه‌گیری نمایید.

حسن و قبح عقلی (فیلسوفان)	حسن و قبح شرعی (دسته‌ای از متکلمان)	
برخی افعال (مانند عدل و راستگویی) کمال و خوب‌اند و برخی (مانند ظلم و دروغ) نقص و بدند و عقل می‌تواند آنها را تشخیص دهد.	هیچ کاری ذاتاً خوب یا بد نیست و عقل نمی‌تواند خوبی و بدی را تشخیص دهد؛ هر کاری که خدا دستور دهد خوب و هر چه منع کند بد است.	دیدگاه
خدا کامل است و ظلم نمی‌کند؛ این محدودیت قدرت نیست بلکه منزه بودن او از نقص است.	برای حفظ قدرت مطلق خدا، نمی‌توان گفت خدا حتماً کار خوب می‌کند.	نتیجه درباره خدا

نتیجه: دیدگاه فیلسوفان پذیرفتنی‌تر است؛ زیرا اگر خوبی و بدی فقط تابع امر و نهی باشد، عقل در تشخیص ارزش‌ها و در فهم دین هیچ نقشی نداشت و حتی ظلم هم در صورت دستور می‌توانست خوب شمرده شود؛ در حالی که عقل خوبی عدل و بدی ظلم را درک می‌کند و خدا کامل مطلق است و به عدل رفتار می‌کند.

با مطالعه سخن امام باقر و بیان ملاصدرا، به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

۱ معنا و مفهوم فلسفی به سخن آمدن عقل چیست؟ نظر کدام فیلسوف یونانی با این عبارت قرابت و نزدیکی دارد؟

۲ از فرمان خداوند به عقل برای نزدیک شدن و دور شدن و اطاعت آن توسط عقل چه برداشتی دارید؟
۳ برداشت فلسفی صدرالمألهین از این سخن امام باقر چیست؟

۱. ○ به سخن آمدن عقل یعنی عقل موجودی مجرد و آگاه و صاحب شعور است که مخاطب خداوند قرار می‌گیرد و حقیقت او ظهور و کلمه الهی است. این مطلب به نظر هراکلیتوس درباره «لوگوس» نزدیک است که هم حقیقتی متعالی و هم نطق و کلمه است و سخن را ظهور و پرتو عقل متعالی می‌داند.
۲. ○ عقل به محض فرمان خدا نزدیک می‌شود و برمی‌گردد؛ یعنی عقل کاملاً مطیع و تابع امر الهی است، هیچ نافرمانی ندارد و حقیقتاً ارتباطش با خدا ارتباطی از سنخ قرب و عبودیت است؛ به همین دلیل مدار تکلیف، پاداش و کیفر اوست.
۳. ○ ملاصدرا می‌گوید این موجود که اشرف و محبوب‌ترین مخلوقات است، چیزی جز حقیقت «روح اعظم» نیست و روح اعظم همان نفحه الهی است که خداوند هنگام آفرینش آدم در او دمید؛ پس عقل در انسان پرتوی از آن حقیقت متعالی است.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

بررسی*

صفحه ۶۵

۴

آیا دیدگاه فیلسوفان اسلامی درباره عقل به معنای دستگاه تفکر و استدلال میان سایر فیلسوفان هم رواج دارد؟ پاسخ خود را با توجه به آنچه در کتاب سال قبل و درس‌های پیش آموخته‌اید، مطرح کنید.

بله؛ این معنای عقل میان فیلسوفان دیگر نیز رایج است: ارسطو عقل را قوه استدلال و ویژگی ذاتی انسان («حیوان ناطق») می‌دانست و آن را به نظری و عملی تقسیم می‌کرد؛ دکارت عقل را دستگاه تفکر و استدلال و ابزار شناخت می‌دانست؛ و تجربه‌گرایان (بیکن، هیوم، کنت) نیز عقل را ابزار شناخت می‌شمردند، هرچند آن را به تجربه و حس محدود کردند. تفاوت در محدوده اعتبار عقل است، نه در اینکه عقل ابزار شناخت و استدلال است.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

تفکر

صفحه ۶۷

۵

درباره گفته ابن‌سینا فکر کنید و بگویید:

۱ به نظر شما عبادت با بهره‌مندی از انواع تعقل چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟
۲ توصیفات ابن‌سینا از پیامبر و امام علی نشان‌دهنده چیست؟

۳ با توجه به شخصیت فلسفی ابن‌سینا، این بیان وی چه پیامی در بردارد؟

۱. یعنی خدا را آگاهانه و با شناخت عقلی و تفکر (استدلال، تفکر در آیات و گاه شهود) پرستش کنیم، نه تقلیدی و بی‌دلیل؛ هرچه معرفت عقلی به خدا بیشتر باشد، عبادت عمیق‌تر و ارزشمندتر است.
۲. نشان می‌دهد که در اسلام (از زبان پیامبر و امام علی) به عقل و تعقل بسیار بها داده شده و راه تقرب به خدا از طریق تعقل و تفکر است؛ امام علی «خزینة عقل» و مرکز حکمت معرفی شده است.
۳. پیام ابن‌سینا این است که فلسفه‌ورزی و تعقل با دین و عبادت تعارض ندارد؛ بلکه خود تعقل نوعی عبادت و راه نزدیکی به خداست و فیلسوف با همین کار به آموزه‌های پیامبر و امام علی عمل می‌کند.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

به کار بندیم

صفحه ۶۷

۶

۱ عامل اصلی توجه به عقل و عقلانیت در جهان اسلام چه بود؟

۲ مخالفت با عقل در جهان اسلام در چه قالب‌ها و اشکالی صورت می‌گرفت؟ چرا؟

۳ در مورد رابطه عقل و دین چه تفاوت اساسی میان فیلسوفان مسلمان با رهبران کلیسا وجود دارد؟

۴ چرا فیلسوفان مسلمان به دو گروه عقل‌گرا و تجربه‌گرا تقسیم نشدند؟

۱. قرآن کریم و سخنان پیامبر اکرم و عترت گرامی ایشان؛ دعوت قرآن و معصومین به تفکر و آموزه‌های عقلانی سبب شد عقل در فرهنگ عمومی مسلمانان جایگاه ممتازی بیابد.
۲. به دو شکل: ۱) محدود کردن دایره اعتبار و کارآمدی عقل در عین پذیرش آن (مثلاً ابن‌تیمیه برهان و تمثیل را در الهیات کارآمد نمی‌دانست و دسته‌ای از متکلمان قائل به حسن و قبح شرعی بودند)؛ ۲) مخالفت با فلسفه و منطق به عنوان دستاوردی یونانی و غیراسلامی. چرا؟ چون با توجه به جایگاه ممتاز عقل در فرهنگ اسلامی، مخالفت مستقیم و صریح با عقل ممکن نبود؛ مخالفان می‌خواستند نشان دهند برخی روش‌های عقلی در مسائل دینی کاربرد ندارد و به دین آسیب می‌زند.
۳. رهبران کلیسا (به‌ویژه در دوره اول) عقل را عامل تضعیف ایمان و حتی شیطانی می‌دانستند و ایمان را در گرو ایستادگی در برابر چون‌وچرای عقل؛ چون عقایدی داشتند که با استدلال عقلی ناممکن بود (مانند تثلیث و تجسد). اما فیلسوفان مسلمان معتقدند پذیرش هر اعتقادی نیازمند استدلال عقلی است، ایمان ارزشمند ایمانی است که پشتوانه عقلی داشته باشد، عقل بهترین ابزار فهم آیات و روایات است و میان عقل و وحی تعارضی واقعی نیست.
۴. زیرا فیلسوفان مسلمان راه کسب معرفت را فقط در عقل یا تجربه منحصر نمی‌کردند؛ بلکه استدلال عقلی، حس، شهود و وحی را همگی معتبر و مکمل یکدیگر می‌دانستند و آنها را به حقیقت واحد رهنمون می‌دانستند.